

ادامه از صفحه اول

ام‌القرای دیگر؟

امروزه در حقوق بین‌الملل مشخص شده که «حمایت همه‌جانبه» از نهضت‌های رهایی‌بخش منافی عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها محسوب می‌شود.

۴- به لحاظ نظری، زیست دولت اسلامی در دوران مدرن- که وامدار قرارداد وستفالی محسوب می‌شود- همواره با این مشکل روبه‌رو بوده که آیا باید به لوازم دولت- ملت عمل کند یا به تکالیف و مسئولیت‌های فراملی خود. از نظر توریک- همان‌گونه که در کتاب «مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی» آمده- دولت اسلامی جز در موارد ضروری و فوری باید به منافع ملی براساس نظرات متخصصان پایبند باشد.

۵- ریشه این بحث را باید در نظریه ام‌القرای محمدجواد لاریجانی در دهه ۶۰ دانست. به اعتقاد او ایران مرکز جهان اسلام است و باید در صحنه جهانی به شکلی عمل کنیم که دیگر کشورها و ملت‌ها این اصل را بپذیرند. بر این اساس، مشروعیت ناشی از صلاحیت است، نه قائلن و رای مردم صرفاً در حوزه کارآمدی نظام صائب است، نه در مشروعیت آن. در نظریه ام‌القری سه لایه هویتی دینی، ایرانی و مدرن دیده می‌شود که لایه هویتی اسلامی مهم‌ترین آن است.

۶- جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه همواره بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در تردید بوده و علاوه بر ابهام در مبانی نظری، با تردید در عمل نیز روبه‌رو بوده است. باوجود ابهام در مبانی نظری و عملی، جمهوری اسلامی ایران راهی خاص را از دهه ۶۰ به بعد پی گرفته و براساس آن سیاست خارجی خود را سامان داده است. شاید بتوان تعطیلی واحدهای مربوط به نهضت‌های آزادی‌بخش در نهادهای رسمی را در این راستا تحلیل کرد. نظرات شخصی هرکس محترم است ولی انتظار این است که کارگزار جمهوری اسلامی ایران مطیع قوانین و فرامین مربوطه باشد.

نتیجه: دولت سیزدهم از جهاتی شبیه دولت نهم است و از این به بعد باید شاهد سخنان سنجیده‌ای از این دست باشیم. مهم آن است که مسئولان رسمی مقهور این گفت‌مان نخواهند شد. در شرایط کنونی که مسئولان سیاست خارجی مشغول رتق‌وتفق امور با همسایگان شرقی و شمالی هستند، طرح مباحثی مانند کنارگذاشتن مفهوم ملت- دولت می‌تواند خطرناک باشد؛ هرچند رئیس سازمان اداری و استخدامی از نهادهای رسمی سیاست خارجی هیچ کشوری محسوب نمی‌شود. امید آنکه با تکیه به تخصص در علوم انسانی و اجتهاد حوزوی بتوانیم گام‌هایی بر اساس عقلانیت در راستای منافع ملت برداریم.

الگوی توسعه دریامحور و امنیت ملی

توسعه‌یافتگی کرانه عربی و عقب‌ماندگی کرانه ایرانی مشکل بزرگ‌تری است. با وجود اینکه سواحل ایران از نظر مزیت‌های ژئوپلیتیک، عمق بیشتر آب، آلودگی زیست‌محیطی کمتر (به علت چرخش آب در جهت خلاف عقربه ساعت)، جذابیت‌های توریستی بیشتر ... در موقعیت بهتری قرار دارد، اما روند توسعه کرانه ایرانی با وجود برخی اقدامات مانند تأسیس مناطق آزاد و...، اصلاً قابل مقایسه با توسعه کرانه عربی نیست. تولید ناخالص داخلی امارات از زمان تأسیس در ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۹ به حدود ۲۳۸ برابر شده و از ۱/۷۷ میلیارد دلار به ۴۲۱ میلیارد دلار افزایش یافته و تولید ناخالص داخلی عمان که توسعه کمتری به نسبت پنج کشور دیگر داشته، در همین فاصله ۲۵ برابر شده است. کیفیت توسعه این کشورها نیز قابل توجه است. امارات و عمان در سال ۲۰۱۹ به ترتیب حدود ۲۲ میلیون و ۴۰۱ میلیون نفر گردشگر داشته‌اند. درآمد امارات از محل گردشگری در همان سال حدود ۴۴ میلیارد دلار بوده است. توسعه بنادر و فرودگاه‌هایی در مقیاس‌های جهانی، ایجاد صدها جزایر مصنوعی، تولید روزانه ۲۰ میلیون متر مکعب آب شیرین در سال ۲۰۱۸ در کرانه عربی و... گویای شکاف عظیمی در بهره‌برداری از امکانات خلیج فارس در کرانه عربی و کرانه ایرانی است. مشکل مهم‌تر این است که عقب‌ماندگی در حوزه توسعه به‌سرعت می‌یابد و به شکل تهدیدات ژئوپلیتیک بروز می‌کند. همکاری‌های امنیتی بین کرانه عربی و قدرت‌های فرامطمنه‌ای این تهدیدات را وسعت بیشتری داده است. ادامه روند جاری و افزایش شکاف در درجه توسعه‌یافتگی دو کرانه عربی و ایرانی می‌تواند هویت ایرانی خلیج فارس را که بخشی از امنیت ملی ایران است، تحت تأثیر قرار دهد که یکی از عوارض فرعی آن در معرض خطر بیشتر قرارگرفتن نام تاریخی خلیج فارس است. اتخاذ نوعی الگوی توسعه دریامحور به نحوی که مشوق جمعیت کرانه ایرانی برای ماندن در منطقه و جمعیت غیرمحلی برای مهاجرت به مناطق ساحلی باشد، اکنون به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا، صبح یکشنبه در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح در دانشگاه افسری امام حسین علیه‌السلام، این نیروهای پرافتخار را «قلعه مستحکم امنیت ملت سربلند ایران و میهن مقتدر و عزیز» خواندند و افزودند: دخالت بیگانگان در منطقه مایه اختلاف و خسارت است و همه مسائل و حوادث باید بدون دخالت بیگانه و با الگویذیری کشورهای منطقه از اقتدار و عقلانیت ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حل شود».

مقام معظم رهبری با ابراز امیدواری برای توفیق دانش‌آموختگان و ارتقای جوانان نیروهای مسلح در مکتب و دانشگاه حسینی، به ملت ایران به‌خاطر داشتن جوانان مؤمن، صالح، شجاع و دارای عزم و بصیرت تریبک گفتند و افزودند: فرماندهان عزیزی که جوانان میهن را از این‌گونه تربیت می‌کنند، شایسته افتخار و تقدیرند. فرمانده کل قوا با اشاره به تحقق فرموده امیرمؤمنان درباره نیروهای مسلح افزودند: به فضل الهی، نیروهای مسلح ایران امروز به معنای واقعی کلمه سپر دفاعی ملت و کشور در مقابل تهدیدهای سخت دشمنان بیرونی و درونی هستند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سربازی ملت ایران را موجب سرافرازی و عزت دانستند و گفتند: آمادگی برای دفاع از ملت ایران و هویت اسلامی، ملی و انقلابی کشور افتخار بزرگ نیروهای مسلح است.

ایشان امنیت را زیرساخت اساسی همه فعالیت‌های ضروری برای پیشرفت کشور برشمردند و با مهم‌خواندن تحقق امنیت کشور بدون تکیه بر بیگانگان افزودند: این مسئله البته برای ملت ایران عادی است اما کشورهای مختلف حتی کشورهای اروپایی از این مشکل رنج می‌برند.

ایشان به بگومگوهای اخیر اروپا و آمریکا اشاره کردند و گفتند: برخی اروپایی‌ها، اقدام آمریکا را خنجر از پشت خواندند و به نوعی گفتند اروپا باید بدون اتکا به ناتو و در واقع به آمریکا،

مستقلاً امنیت خود را تأمین کند. مقام معظم رهبری افزودند: وقتی کشورهای اروپایی به علت اتکا به آمریکا، یعنی کشوری که با اروپا مخالف هم نیست در تحقق امنیت پایدار احساس کمبود می‌کنند، حساب کشورهای دیگر که نیروهای مسلح خود را تحت کنترل آمریکا و دیگر بیگانگان قرار داده‌اند، مشخص است.

فرمانده کل قوا، تأمین امنیت با تکیه بر دیگران را فقط یک توهم خواندند و گفتند: کسانی که به این‌توهم دچارند سیلی آن را به‌زودی خواهند خورد؛ چراکه دخالت مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان در امنیت و جنگ و صلح هر کشوری، فاجعه‌ای مصیبت‌بار است.

ایشان با تجلیل از اقتدار و سربلندی نیروهای مسلح در آزمایش‌های بسیار مهم و دشوار به‌ویژه جنگ تحمیلی هشت‌ساله گفتند: اقتدار نیروهای مسلح به مسائلی مانند آموزش‌ها، ابتکارات و پیشرفت‌های علمی، تجهیزات و انضباط سازمانی وابسته است اما مهم‌ترین عامل اقتدار نیروهای مسلح، روحیه، معنویت و مسائل دینی و اخلاقی است.

مقام معظم رهبری، خروج ارتش مجهر و بدون روحیه اخلاقی و معنوی آمریکا از افغانستان را نمونه‌ای از نتایج اقتدار ظاهری و نه واقعی خواندند و گفتند: آمریکایی‌ها ۲۰ سال قبل

سیاست

فرمانده کل قوا با اشاره به مسائل همسایگان در شمال غرب کشور:

راه‌حل، جلوگیری از دخالت ار تش‌های بیگانه است



علی، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

برای سرنگونی طالبان به افغانستان لشکرکشی کردند و در این اشغالگری طولانی‌مدت، کشتار و جنایت و خسارات فراوانی به بار آوردند اما بعد از این همه هزینه مادی و انسانی، حکومت را به طالبان دادند و خارج شدند که این واقعیت برای همه کشورها درس‌آموز است.

فرمانده کل قوا، اوضاع ارتش آمریکا هنگام خروج از افغانستان را نشان‌دهنده ماهیت واقعی این ارتش دانستند و گفتند: آن تصاویر هالیوودی از ارتش آمریکا و کشورهای امثال او، فقط نمایش است؛ چراکه ماهیت واقعی آنها همین است که در افغانستان دیده شد.

مقام معظم رهبری، نفرت مردم شرق آسیا از ارتش آمریکا را یادآور شدند و گفتند: آمریکایی‌ها هرجا دخالت کنند، منفور ملت‌ها هستند. فرمانده کل قوا، حضور نظامی بیگانگان در منطقه را نیز مایه اختلاف و خسارت و ویرانی برشمردند و تأکید کردند: صلاح منطقه در این است که همه کشورها از ارتشی مستقل و متکی به ملت خود و هم‌افزا با ارتش‌های همسایگان برخوردار باشند.

مقام معظم رهبری افزودند: ارتش‌های منطقه می‌توانند امنیت منطقه را تأمین کنند و نباید اجازه دهند که ارتش‌های بیگانه برای حفظ منافع خود، دخالت یا حضور نظامی داشته باشند. فرمانده کل قوا افزودند: حوادثی که در

شمال‌غرب ایران، در برخی کشورهای همسایه در جریان است، باید با همین منطق پرهیز از دادن مجوز حضور بیگانگان حل شود. ایشان گفتند: نیروهای مسلح کشور عزیز ما همواره با اقتدار همراه با عقلانیت عمل می‌کنند و این عقلانیت باید الگویی برای دیگر کشورها و عامل حل مسائل موجود باشد و همه بدانند که اگر کسی برای برادران خود چاه بکند اول خودش در چاه می‌افتد.

فرمانده کل قوا در پایان سخنانشان نیروهای مسلح را برای تداوم افتخار خدمت به ملت و کشور و افزایش روزافزون توانایی‌های مادی و معنوی توصیه مؤکد کردند.

پیش از سخنان فرمانده کل قوا، سردار سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان گزارشی از توانمندی‌ها و آمادگی‌های رزمی، دفاعی و امنیتی نیروهای مسلح و همچنین خدمات اجتماعی این نیروها به مردم، به شکست آمریکا در افغانستان اشاره کرد و گفت: این شکست خفت‌بار و تخلیه‌بخش بزرگی از تجهیزات و پایگاه‌های آنها در منطقه و شکست رژیم صهیونیستی در نبرد ۱۲‌روزه موسوم به شمشیر قدس، نشانه‌های تسریع در افول آمریکا است.

در این مراسم که هم‌زمان در دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح از طریق ارتباط تصویری دریافت می‌شد، سردار سرتیپ پاسدار غلامی، فرمانده دانشگاه امام حسین(ع)، امیر سرتیپ دوم خلیسان رودباری، فرمانده دانشگاه شهید ستاری و سردار سرتیپ دوم پاسدار بختیاری، فرمانده دانشگاه علوم انتظامی امین گزارشی از فعالیت‌ها، اقدامات و برنامه‌های تحصیلی این دانشگاه‌ها بیان کردند.

قرانت سوگندنامه، اعطای پرچم توسط دانشجویان قدیم به جدید و اجرای سرود مشترک توسط دانشجویان مستقر در میدان از دیگر برنامه‌های مراسم مشترک دانش‌آموختگی نیروهای مسلح بود. همچنین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با کسب اجازه از فرمانده کل قوا به تعدادی از برگزیدگان دانشگاه‌های افسری درجه و سردوشی داد.

مقصر کیست؟

اپوزیسیون‌سازی از رؤسای جمهور



را محق با رؤسای جمهور را میرا تلقی کند، نوشته بود: «ولی پرسش اساسی در این است که اشکال کجاست؟ چرا جز یک مورد کسی سر به سلامت نبرده است؟ آیا اشکال در قانون اساسی و ساختار قانونی ماست که از رؤسای جمهور اپوزیسیون یا شبه‌اپوزیسیون می‌سازد؟ یا این امر به خصلت‌های اخلاقی و سیاسی برگزیدگان این منصب یا ناپختگی‌های سیاسی برمی‌گردد؟ آیا پس از گذشت بیش از ۳۰ سال نباید به این پرسش واضح پاسخ دهیم؟ پیش از این نیز نگاشته بودم که رؤسای جمهور کشور که برگزیده یک ملت هستند، برای ما باید چونان سرمایه‌هایی ارزشمند تلقی شوند؛ سرمایه‌هایی که البته نباید به دور از تیغ‌های نقد باشند ولی با آنان نیز نباید آن‌چنان بی‌برنامه برخورد شود که در مواجهه با جوانان و توصیف تاریخ انقلاب اسلامی دچار گرفتاری شده و دانما بگویم؛ بنی‌صدر رئیس‌جمهور نخستین بود ولی بعد شد انقلاب شد؛ هاشمی دو دوره رئیس‌جمهور بود ولی بعد از راه انقلاب برون افتاد؛ خاتمی دو دوره رئیس‌جمهور شد ولی سکولار و در پی براندازی بود؛ احمدی‌نژاد هم دو دوره رئیس‌جمهور شد ولی هرچند اصولگرا بود، صدر جریان احرافی و… هم بود.

عرف آن است که در جهان رؤسای جمهور در مسند قدرت، سرمایه در گردش هستند و در دوری از مسند، سرمایه پس‌انداز که در زمان مناسب در جهت منافع ملی به کار می‌آیند. اما آیا ما این سرمایه‌ها را به‌گونه‌ای پس‌انداز می‌کنیم که روزی به کار آیند؟ بگذریم که متأسفانه به‌گونه‌ای عمل کرده‌ایم که بیگانگان، رؤسای جمهور سابق ما را به چشم طمع‌گاه سرمایه خود می‌پندارند.»



محمود احمدی‌نژاد بوده است که درباره‌اش گفته‌اند «پژ اپوزیسیون» به خود گرفته است. ازغدی در حالی ادعای اپوزیسیون‌شدن رؤسای سابق جمهوری را مطرح کرده بود که در خودش توان و لزومی برای توضیح‌دادن درباره مصادیق و نمونه‌ها ندیده است. برای نمونه، کدام رفتار محمد خاتمی در همه این‌سال‌ها رنگی از اپوزیسیون داشته است؟ رئیس‌جمهوری که سال‌هاست ممنوع‌التصویر است و کمتر سخنرانی تند و ساختارشکنانه‌ای از او شنیده یا خوانده شده است! این به‌طور مشخص درباره مرحوم هاشمی‌رفسنجانی هم صدق می‌کند. اگرچه در این سال‌ها نقدها و اعتراض‌هایی جدی داشت، اما کنش سیاسی او که سال‌ها یکی از ستون‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی بوده است، هیچ قربانی با تعریف اپوزیسیون نداشت. امیر محبیان، تحلیلگر و روزنامه‌نگار اصولگرا که این روزها کمتر مصاحبه می‌کند یا می‌نویسد، سال ۹۱ در روزنامه رسالت در سرمقاله خود به نکته جالبی اشاره کرده بود. او در نوشته خود با عنوان «با رؤسای جمهور ایران چه کنیم» معتقد بود این رفتار اشتباه اصولگرایان است که رؤسای سابق جمهور را به وادی اپوزیسیون‌سازی سوق می‌دهد.

محبیان با اشاره به سرنوشت بنی‌صدر، هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد نوشته بود: متأسفانه به‌گونه‌ای عمل کرده‌ایم که بیگانگان، رؤسای جمهور سابق ما را به چشم طمع‌گاه سرمایه خود می‌پندارند.

محبیان با اشاره به اینکه قصد ندارد درباره ناگه‌کی به رؤسای جمهور شده، منتقدان



متضاد سیاسی حسن روحانی، نگاهی کوتاه به اپوزیسیون‌بازی‌های آقای رئیس‌جمهور» نوشته بود: «موضع‌گیری‌های روحانی در برابر برخی از بیانات مقام معظم رهبری در طول سه سال اخیر در کانون توجهات قرار گرفته و باعث جنجال شده است. مواردی که حتی باعث سوءاستفاده دشمنان و رسانه‌های ضد انقلاب نیز شده‌اند.

در برخی از موارد سرعت این موضع‌گیری بسیار قابل تأمل و حتی تعجب‌انگیز است. به محض اینکه رهبر معظم انقلاب درباره موضوعی اظهارنظر می‌کنند، حسن روحانی در مقابل آن واکنش نشان داده و در جهت معکوس نظر می‌دهد».

این سایت با برشمردن برخی اظهارنظرها و عملکردهای روحانی تا آن سال، نتیجه گرفته بود که «در یکی از آخرین موارد می‌توان به نقد دولت‌های گذشته اشاره کرد. این موضع‌گیری روحانی نیز القای مخالفت‌خوانی و ابغای نقش اپوزیسیون با بیانات رهبری را داشت… رفتارها و گفتارهای این‌چنینی حاصل هرگونه دستور کار سیاسی با انتخاباتی هم باشد، حاصلی جز القای تز دشمنان انقلاب برای جانداختن دوگانگی در حاکمیت ایران ندارد.

روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور مورد وثوق و نظام و مردم، می‌بایست کارنامه اجرایی قوی و کارآمدی عرضه کند تا از قبل آن کشور ایران در منطقه و جهان سرآمد شود، نه آنکه با فروکاستن از نقش ریاست‌جمهوری به اپوزیسیون و بازی در زمین دیگران، راه توسعه و آبادانی را کج نماید.» اما در همه این سال‌ها رئیس‌جمهوری که بیش از دیگران در معرض اتهام اپوزیسیون قرار گرفته،

روزنه

مراسم تودیع محمود نیلی‌احمدآبادی و معارفه مقیمی برگزار شد

دانشگاه در دست فرزندش

● شرق: محمود نیلی احمدآبادی سی‌ودومین رئیس دانشگاه تهران که با بیش از هفت سال سکنداری ریاست این دانشگاه، رکورد طول عمر مدیریتی بر مادر دانشگاه‌های ایران را که پیش‌تر به فرهاد رهبر، رئیس اسبق دانشگاه تهران تعلق داشت، به نام خود ثبت کرده است، روز گذشته ۱۱ مهر ۱۴۰۰ هم‌زمان با نخستین روزهای آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها رسماً تودیع شد و سکان هدایت نماد آموزش عالی را به دستان یکی از فرزندان دانشگاه تهران سپرد. سیدمحمد مقیمی سرپرست جدید دانشگاه تهران از این جهت می‌تواند فرزند این دانشگاه نام بگیرد که هر سه مقطع تحصیلات دانشگاهی از لیسانس تا دکترا را دانشجوی این دانشگاه بوده و در همین دانشک هیئت‌علمی شده و اکنون در ۵۰سالگی پس از طی مرتبه‌های علمی و ابغای نقش‌های مختلف از کف هرم مدیریتی دانشگاه، یعنی مدیریت در سطح دانشکده، پردیس و معاونت دانشگاه، می‌رود تا ردای ریاست دانشگاه را تن کند.

آیین تودیع و معارفه ریاست دانشگاه تهران در حالی برگزار شد که سوابق علمی سرپرست جدید این دانشگاه، در روزهای نخست انتصاب او، مورد سوال برخی چهره‌های دانشگاهی کشور قرار گرفت، به‌طوری‌که آنها سوابق علمی این اساتدماد دانشگاه را به قدر کفایت ندانسته و حتی طوری وانمود کردند که از این انتخاب محمدعلی زلفی‌کل وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، انگشت به دهان شده‌اند. هرچند نقدهای کلی آنها که با تمرکز بر برخی عناوین آثار مقیمی که به صورت مطالعه موردی روی سبک مدیریتی شهید حاج قاسم سلیمانی، شهید چمران و سردار حاجی‌زاده صورت گرفته بود، با واکنش و پاسخ انجمن تخصصی مدیریت دولتی ایران مواجه شد، اما سرپرست جدید دانشگاه تهران پس از حدود دو هفته سکوت در مقابل منتقدان، بالاخره در مراسم معارفه خود با طرافت و البته بدون اینکه اشارهای به انتقادها داشته باشد، به منتقدان واکنش نشان داد.

شاید آنجا که سیدمحمد مقیمی در سخنرانی مراسم معارفه خود به چهار دوره حضورش در هیئت‌میزه دانشگاه تهران اشاره داشته و به شأن و جایگاه هیئت‌میزه در ارتقا و تعیین مرتبه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تاکید کرده و گفته که «هیئت‌میزه، جهت‌گیری کلی و کلان دانشگاه را مشخص می‌کند، به‌نوعی خواسته است به منتقدان بگوید اگر امروز اساتدمتمام دانشکاه تهران است، با ارزیابی علمی آثار و روندهای علمی او در هیئت‌میزه که مجمعی از بزرگان و اساتدان معتبر و استخوان‌خوردکرده دانشگاه به شمار می‌رود، به این درجه رسیده است.

البته مقیمی در این مراسم پیام‌های دیگری هم برای مخاطبان فرستاد؛ آنجا که به تمجید عملکرد محمود نیلی احمدآبادی، رئیس سابق دانشگاه تهران، در زمینه ارتقای دانشگاه در حوزه روابط علمی بین‌المللی پرداخت، شاید می‌خواست به مخاطبان بگوید هرچند از نگاه و تفکری متفاوت با نیلی برخاسته، اما خاستگاهش مختصاتی جز نگاه توأمان به سنت علم و دین ندارد؛ منشی که قدرشناسی و انصاف درباره دیگران در آن توصیه شده است، هرچند کلیه‌واژه‌هایی مانند «مدیریت جهادی» و «تأثیر شاگردپروری در ارتقای اساتید» در سخنان او این‌کد را مخابره کرد که کشتی‌بان را سیاستی دیگر آمده است.

یکی از بحث‌های پرمناقشه در دانشگاه‌های کشور، معیارهای ارتقای اعضای هیئت‌علمی است. برخی معتقدند سهم مقالات ISI در ارتقا باید زیاد باشد و برخی هم می‌گویند باید این معیار را کنار گذاشت و شاخص‌هایی بومی برای ارتقا در نظر گرفت. استنادانی که دیروز در تالار علامه امینی دانشگاه تهران آمده بودند تا سیاست‌های رئیس جدید را بشنوند، با موضعی متفاوت مواجه شدند. موضوع مقیمی این بود که هم ISI مهم است و هم فعالیت‌های اعضای هیئت‌علمی در زمینه‌های فرهنگی و شاگردپروری.

مقیمی استاندام رشته مدیریت است که یکی از حوزه‌های مورد علاقه‌اش کارآفرینی است. آنها که در حوزه کارآفرینی دستی بر آتش دارند، می‌دانند که دارندگان این روحیه، چند خط اصلی را مشق کرده و سرمشق می‌کنند؛ یکی اینکه عاشق شکست در ادبیات آنها جایی ندارد، دیگر اینکه اهل تیم‌سازی هستند و تیم‌ها را از مسیرهای مختلف هدایت می‌کنند به این امید که در قله به هم دست دهند و سوم اینکه آنها گستره مدیریتی خود را محدود به منابع دولتی و کسری بودجه و این نوع منضیقه‌ها نمی‌کنند؛ آنها مجموعه‌شان را به سمت درآمدزایی می‌برند. حالا باید دید در دوره محمد مقیمی استاد مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه تهران تا چه حد از یک دانشگاه متکی به منابع دولتی، به یک دانشگاه خوداتکای خودگردان تبدیل می‌شود و چقدر از توان همه اعضای هیئت‌علمی و دانشگاهیان در تیم‌سازی برای مدیریت دانشگاه استفاده می‌کند. همچنین باید منتظر ماند که آیا در پایان دوره مدیریتی‌اش تیم‌ها در قله به هم دست می‌دهند یا نه. هرچند مقیمی در جمعی از استادان در حاشیه جلسه تودیع و معارفه که از او درباره تیم مدیریتی‌اش سؤال کردند، عنوان کرد: «همه داشگاه تیم من هستند».